

آب؟ پیم پیم از سر سنگ
 پریشان اگر گمان به نهنگی رود -
 رود، نعلونزی و برتره گنود
 هر دو هم بتر و همای بسته
 زیر آن ساید بحر روشن ابر
 (در این باره باره برده کا ابر)
 روی آینه می آبی آبی
 در پناهی صوفی گریسته
 آن دو مرغابی از چه خاویسته!

۴ × ۳ ×
 لندن ۱۳۷۳
 زاله